

گزارش مسئولان ایرانی به فدراسیون بین‌المللی کارگری

امیر گودرزی

بیست دوم مهرماه هشتاد و شش

اعتماد ملی: دو نفر از مدافعان حقوق کارگران اندونزی پس از اینکه هفته گذشته وارد ایران شدند، اعلام کردند برای بررسی وضعیت کارگران زندانی شرکت واحد اتوبوسرانی به این کشور سفر کرده‌اند. آنها برای ملاقات با مسوولان کار به هر دری زدند و حتی به در خانه وزیر کار هم رفتند. مسوولان ITUC و ITF پس از اینکه به در بسته خوردند، درحالی به کشور خود باز گشتند که قاطعانه گفتند به زودی با يك هیات بلند پایه به ایران باز خواهند گشت.

موضوع "منصور اسانلو" مهم‌ترین چیزی بود که مسوولان فدراسیون جهانی کارگران را به کشورمان کشاند و از سوی دیوید کرافت و دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل به آنها ماموریت داد. اسانلو (از فعالان کارگری شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه) چند ماه پیش پس از پیاده شدن از اتوبوس دستگیر شد و تا مدت‌ها از او خبری نبود. خانواده وی با وجود پیگیری‌های مستمر تنها يك بار موفق به ملاقات (کابینی) با وی شده‌اند. در حال حاضر گفته می‌شود اسانلو بیماری چشم دارد و پس از بازداشت، اتهامات جدیدی به وی تفهیم شده است.

پس از این مدت، هجدهم مردادماه سال جاری (۹ آگوست ۲۰۰۷) تعدادی از کارگران شرکت واحد برای همدردی از خانواده منصور اسانلو به خانه وی رفتند. در بدو ورود ۸ نفر از آنها دستگیر و به زندان منتقل شدند. طولی نکشید که ۶ کارگر بازداشت‌شده آزاد شدند اما ابراهیم مددی از فعالان کارگری هنوز در بازداشت به سر می‌برد. پیگیری‌های زیادی از سوی فعالان کارگری برای روشن شدن وضعیت مددی صورت گرفت و کار تا جایی پیش رفت که مسوولان (کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد ITUC فدراسیون اتحادیه کارگران حمل و نقل و ITF) اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی در اندونزی بر سر این موضوع با سفیر ایران در اندونزی ملاقات کردند. از این نشست نتیجه‌ای عاید مسوولان کارگری نشد و آنها تصمیم گرفتند با سفر به ایران در راستای اهداف اتحادیه‌های مطبوع خود قدمی بردارند. سوکور سارتو (رئیس کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری در اندونزی) و حنیفا روستندی (مسئول هماهنگ کننده ITF در اندونزی) برای رسیدگی به موضوع کارگران زندانی در ایران به عنوان توریست وارد ایران شدند و به گفته خود برای گرفتن ویزا به مشکل جدی برخوردند. سارتو و روستندی پس از سفر چند روزه خود بسیار خسته شدند و کار زیادی هم از پیش نبردند با این حال چندان هم ناراحت به نظر نمی‌آمدند. آنها ساعتی پیش از پرواز به سرزمین خود به هر سوالی که از ذهن به زبانم آمد پاسخ دادند. گفتند برای بررسی وضعیت دو نفر از اعضای اتحادیه شرکت واحد به ایران آمده‌اند و همچنین پیگیری اجرای مقاله نامه ۸۷ سازمان جهانی کار. روستندی درباره مشکلات سفر به ایران گفت: "مشکل اول این بود که به ما ویزا ندادند. ما از ITUC و ITF ماموریت و از سندیکای واحد دعوتنامه رسمی داشتیم. نمی‌خواستیم قایم باشک بازی در بیاوریم ولی مجبور شدیم به عنوان توریست بیاییم به ایران." و سارتو

تایید کرد. او در مورد دستاوردهای سفرش به ایران توضیح داد: " به هر دلیلی زدیم تا دست کم یکی از مسئولان را ملاقات کنیم ولی هیچکدام حاضر به این کار نشدند. ما روز چهارشنبه رفتیم در خانه وزیر کار را زدیم و خواستیم خیلی از ابهامات را برای ما روشن کند ولی باز هم جواب منفی شنیدیم. معاونان وزیر، مدیران کل و... هیچکس جوابمان را نداد. حتی درخواست خود را به روابط بین الملل وزارت خارجه اعلام کردیم ولی تا این لحظه ملاقاتی انجام نشده است." وقتی وی در پاسخ به سوال من، گفت: " باز هم به ایران سفر میکنیم" پرسیدم: از کجا معلوم در سفر بعدی با چنین مشکلاتی روبرو نشوید؟ روستندی جواب داد: این اتفاق را به ITUC و ITF گزارش خواهیم داد تا مشکلات را در سطح بالا با مقامات ایران حل کنند.

مطمئناً بار دیگر با هیات بلندپایه‌ای به ایران سفر خواهیم کرد و بدون این قایم باشک بازی‌ها به‌طور جدی به موضوعات کارگران ایران خواهیم پرداخت. سارتو پس از پایان حرف‌های همکارش در پاسخ به سوال که در کشورهای دیگر هم کارگران با چنین مشکلاتی روبرو هستند، گفت: " بله، نه تنها در کشورهای در حال توسعه، در کشورهای توسعه‌یافته هم کارگران چنین مشکلاتی دارند؛ مثل ژاپن، به همین دلیل است که خواسته‌های صنفی کارگران در همه کشورها به صورت‌های گوناگون شکل می‌گیرد. ایران که کشور زیبا و ثروتمندی است مانند بسیاری از کشورهای دنیا کارگرانی دارد که دچار برخی مشکلات اند." سارتو و روستندی راه برطرف شدن مشکلات کارگران را تشکیل اتحادیه و پیوستن به اتحادیه‌های بین‌المللی می‌دانند و تلاش برای رسیدن به حقوق صنفی خود آنها. آن قدر این موضوعات را در حرف‌های خود تکرار کردند که باعث شد در پایان گفت‌وگو بپرسم: "پس کارگر کی کار کند؟!" روستندی در پاسخ دادن از دوست خود پیشی گرفت و گفت: " موضوع مهمی را مطرح کردید. کارگر باید کار کند و نمی‌تواند همه‌اش دنبال رسیدن به حقوق خود باشد. در این راه اقتدار دیگر جامعه باید او را یاری کنند..." این مدافعان حقوق کارگران پس از مسافرت چندروزه خود، عصر چهارشنبه هفته گذشته پس از ملاقات با خانواده اسانلو و مددی راه وطن‌شان را پیش گرفتند و با ده‌ها کارگر که ذره‌ای امیدوارتر شده بودند، خداحافظی کردند.

ملاقات با اندونزیایی‌ها بی‌فایده بود

مقامات کارگری بین‌المللی بیش از آنکه از مسوولان کار کشورمان گلایه داشته باشند، از وکلای مدافع اسانلو و مددی ناراحت بودند. "یوسف مولایی" و "پرویز خورشید" حاضر به ملاقات با "روستندی" و "سارتو" نشدند. مولایی در مورد این تصمیم خود به اعتماد ملی گفت: "آنها سمتی نداشتند که ما بخواهیم با آنها گفت‌وگو کنیم. اگر فردا مقامات قضایی بپرسند با چه مجوزی ملاقات کردید، چه بگوییم؟.." هنگامی که به وکیل مدافع اسانلو و مددی یادآور شدم که آنها از طرف فدراسیون بین‌المللی کارگران مأموریت داشتند، وی پاسخ داد: "در قانون صاحب سمت کسی است که مجاز به مداخله و پیگیری در پرونده باشد." گویی وکلای مدافع این پرونده شروطی را برای ملاقات با میهمانان اندونزیایی تعیین کرده بودند و "مولایی" اشاره‌ای به این موضوع کرد: "اگر آنها می‌پذیرفتند که ملاقات در يك کنفرانس مطبوعاتی صورت بگیرد، ما مخالفتی نداشتیم؛ اما دیدار خصوصی از نظر ما پذیرفتنی نبود." "مولایی"

همچنین گفت: "صراحتاً قانون مشخص نکرده که این‌گونه ملاقات‌ها منعی دارد یا نه." وی در پاسخ به این سوال که "آیا این ملاقات می‌توانست در روند این پرونده مفید باشد؟" گفت: "نه، به هیچ‌وجه. اگر فکر می‌کردیم که نتیجه مثبتی داشته باشد و آزادی موکلانم را تسهیل کند، چنین فرصتی را از دست نمی‌دادم. آنها در جایگاهی نبودند که بتوانند تاثیرگذار باشند و فقط توانستند کمی خانواده زندانیان و فعالان کارگری را آرام کنند." به گفته وکیل مدافع کارگران زندانی شرکت واحد، اگر این افراد ظرفیتی برای تاثیرگذاری داشته باشند بدون هماهنگ شدن با وکلای پرونده هم می‌توانند نقش خودشان را بازی کنند. او معتقد است وکیل مدافع مسوولیت دیگری دارد که باید در چارچوب قانون به آن پایبند باشد. "مولایی" در ادامه، وضعیت پرونده موکلان خود را در حالی تشریح کرد که با وجود صدور کیفرخواست، از اتهام مددی خبر نداشت: "اسانلو از نظر مقامات قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی است و به همین دلیل دسترسی به پرونده او ندارم. مددی نیز مانند موکل دیگرم با قرار بازداشت در زندان اوین به سر می‌برد؛ اما پرونده‌اش با صدور کیفرخواست آماده ارجاع به دادگاه است. او در پاسخ به اتهام مددی، گفت: "از اتهام موکلم هیچ خبری ندارم، شاید فردا در دادگاه باخبر شوم."

امیر گودرزی- سایت اعتماد

۱۳۸۶/۷/۲۲